



رامید هم تو را آدم نکردا

رامید جوان و نگار جواهریان زوج هنرمندی هستند که در کانادا به سر می‌برند و احتمالاً قرار است همان جا هم بچهار شوند. مسافرت شرق به غرب عالم این زوج هنری برای تولد فرزند با انتقادهایی مواجه شد است تا اینجا یک و واکنش منطقی را شاهدیم تا اینکه دیروز امیر ژوله خودش را وسط انداخت تا از رسالت پدری رامید جوان با این عبارت پرده برداری کند: «به کسی ربطی نداره همسر رامید محتویات رحمش را کجا خالی می‌کند» همین قدر شیک و مجلسی، مقصود از محتویات رحم همان کودکی است که ظاهراً قرار است در کانادا به دنیا بیاید یا شاید هم تا حالا آمده، اما این آقای ژوله که مثلاً خواسته از دوست و رفیقش حمایت کند احتمالاً موقع نوشتن آنقدر کله‌اش داغ بوده که فکر می‌کرده دارد گلاب به رویتان درباره محتویات چیز دیگری صحبت می‌کند. این را می‌توان از تبعات بامزه بودن زیاد یا جنس مرغوب یا نامرغوبی دلستد که مهدی ژوله استفاده‌می‌کنندولی خب او هنگام نوشتن ظاهر ایداش رفته باید از رامید جوان دفاع کندنه اینکه درباره همسر و بچه او طوری حرف بزند که چیزهای ناخوشایند به ذهن آدم خطور کند. حالا این بماند که ژوله آمده یک خودی نشان بدهد و ثابت کند می‌تواند نسبت به دوستش برای شهرتی که به واسطه برنامه خندوانه نصیبش کرده یک جوری در این وضعیت ادای دین کند ولی کار را خراب‌تر کرده‌است، البته ژوله خودش دلیل نوشتن دفاعیه از رامید را خیلی واضح و صریح ذکر کرده و نوشته: «رامید آدمم کرده» احتمالاً منظورش از اینکه آدمم کرده همان حضور در خندوانه و معروف شدن متعاقبش است اما ژوله باز هم به اصطلاح سونی داده و این بار به جای رامید از خجالت خودش درآمده است، چون آدم شدن را با مشهور شدن و احتمالاً پولدار شدن یکی گرفته و این خیلی بد است که کسی در زندگی به او نگفته: «مشهور شدن چه آسان، آدم شدن چه سخته» علت هم شاید این بوده که ژوله در زندگی‌اش معلم درست و حسابی نداشته که این چیزها را به او یاد بدهد. ژوله در ادامه گفته «کاشکی رامیدهای بودن که همه‌مون رو آدم می‌کردن»، خب این حاجت‌طلبی برای ژوله یک فکر می‌ی‌کند یا مشهور شدن واقعاً آدم شده زیاد هم غیرعادی نیست، این به خودش ربط دارد اما رامید جوان وقتی از غرب عالم به اینجا یعنی شرق عالم مسافرت معکوس کند تا با اجرای خندوانه پول بیشتری دربریاورد احتمالاً بروود و بقیه ژوله را بچسبید و بگوید تارقیق اگر من آدمت کردم پس غلط می‌کنی خوبی را با بدی پاسخ می‌دهی! چیزی که همسر من خالی کرده!بچادم بوده نه... و امکانش هم هست که این رفاقت و دوستی با همین چیزها به دشمنی تبدیل بشود. ژوله در بخشی دیگر از دفاعیه‌ای که برای رامید نوشته درباره رسالت برنامه خندوانه هم توضیحاتی ارائه کرده که در آن فرازها صرافاً رامیدو همسرش اهلت نکرده بلکه از خجالت کل ملت ایران درآمده است و در کل باید گفت ژوله در دو تا پاراگرافی که نوشته کسی را از قلم نینداخته با این حال ژوله خیلی تأکید دارد که رامید او را آدم کرده‌است!

خبر

الهام غفوری: «پایتخت ۶»

از «شیرگاه» کلید می‌خورد

تهیه‌کننده «پایتخت ۶» گفت: تصویربرداری سریال از نیمه دوم سال و از «شیرگاه» شروع می‌شود.
سریال «پایتخت۶» قرار شد برای نوروز ۹۹ شبکه یک سیما تولید شوده کاری که با درگذشت خشایار الوند به نسخه اپیزود سینمایی شب عید نوروز ۹۸ نرسید.
حالا در غیاب این نویسنده طراحی قصه‌ها را محسن تنابنده جلو می‌برد، البته به قول الهام غفوری تهیه‌کننده این سریال تلویزیونی، قبلاًهم تنابنده کار طراحی را انجام می‌داد و الان هم قصه‌ها را کنار هم قرار می‌دهد تا به مر حله دیالوگ‌نویسی و نگارش فیلمنامه برسد وی به تسنیم گفت: قصه‌ها طراحی شده و کار به مر حله نهایی نگارش و دیالوگ‌نویسی رسیده است، می‌توانیم به طور قطعی، زمان تصویربرداری سریال را اعلام کنیم اما پیش‌بینی می‌شود نیمه دوم سال این اتفاق بیفتد.
غفوری با تذکب شبایه عدم‌حضور احمد مهرانفر در «پایتخت ۶» تصریح کرد: خوشبختانه همه بازیگران در کنار ما هستند و برای همه‌شان قسه طرحی می‌شود.
احمد مهرانفر هم یکی از نقش‌های اصلی پایتخت است و «رسلو» می‌ماند چون ما به هنر نمایاش علاقه‌مندیم و هم مراد و او را دوست دارند، البته نمی‌دانم این شایعات از کجا آمده‌است، تهیه‌کننده سریال «پایتخت» خدایم محور داستانی و مکالم ساختن این پروژه، افزود: ان‌شالله مشکلی پیش نیاید و نیمه دوم سال تصویربرداری آغاز بشود، این اتفاق در شمال کشور، شیرگاه خواهد افتاد.
سیر داستان هم ربطی به «پایتخت۵» نخواهد داشت و از آن فاصله می‌گیرد.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سر دبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۵۵۴ روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴ توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۶۲۳ | پنج‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۸ | ۹ شوال ۱۴۴۰ | اخذ ظهیر: ۱۳:۰۴ | غروب آفتاب: ۲۰:۲۱ | زمان مغرب: ۲۰:۴۲ | نیمه‌شب‌شروعی: ۰۰:۰۱ | اذان صبح فردا: ۰۴:۵۸ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۴۸

نگاه «جوان» به اثر سینمایی نیما جاویدی

نیزه «سرخ پوست» در چشم ابتذال اکران



افشین علیار

نیما جاویدی در سال ۹۲ «ملبورن» را به عنوان اولین فیلم بلند سینمایی‌اش ساخت که در آن زمان با توجه به موفقیت این فیلم در جشنواره‌های جهانی‌ای با نقد‌های تند منتقدان ایرانی از جمله نگارنده روبه‌رو شد، او پنج سال هیچ فعالیت سینمایی انجام نداد. سرخ‌پوست دومین فیلم جاویدی است که این روزها اکران شده و نشان می‌دهد فیلمساز ما در این پنج سال وقت خود را به پژوهش سینمایی، مطالعه و فیلم دیدن گذرانده است.

زمانی که این فیلم را روی پرده سینما می‌بینید جذب آن می‌شوید، همین عنصر جذب‌شدن و چشم بر پرده سینما دوختن و گذر زمان را نفهمیدن برای یک فیلم چیز کمی نیست آن هم دراین وانفسای ابتذال سینمای ایران سرخ‌پوست اغلب عناصر ساختاری را به درستی رعایت کرده و استفاده از این عناصر در بعضی از سکانس‌ها فراتر از استانداردهای مرسوم سینمای ایران است. نیما جاویدی فیلمی برای پرده سینما ساخته که به اصطلاح کمتر لُق می‌زند؛ فیلمی که به مخاطب توهین نمی‌کند بلکه باعث ارتقای سطح سلیقه مخاطب در محتوا و ساختار می‌شود. مخاطب از سینما چه توقعی دارد؟ ایده، قصه، نوع روایت، شخصیت‌پردازی و کارگردانی، تمامی این عناصر در دومین فیلم نیما جاویدی به درستی جا گرفته و مشخص است سینما مسجده و دغدغه فیلمساز است. درباره فیلمنامه نکته این است که فیلمساز جوان مسا در قصه‌گویی به دنبال خرده‌پیرنگ نرفته است بلکه قصه بر اساس خطی مستقیم به دور از حاشیه‌جو می‌رود. شخصیت اول هسته مرکزی فیلم است. نعمت جاهد به عنوان

موسیقی

ارکستر ملی ایران در آیین

نکوداشت زنده‌یاد جمشید مشایخی و با رهبری نادر مشایخی روی صحنه می‌رود.

به گزارش ایسنا، در این رویداد اثر نادر مشایخی (فرزند جمشید مشایخی، آهنگساز و رهبر ارکستر) با نام «فَسوس همه عمر زیر رسیدیم» توسط نوازندگان ارکستر ملی ایران و به رهبری نادر

مشایخی به همراهی شاهنامه‌خوانی و موسیقی پدرم دستگاه افصحان را دوست داشت و همیشه

حکمت

حکمت ۲۰۷

اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بنمای، زیرا اندک است کسی که خود را همانند مردمی می‌بینی و از جمله آنان به حساب نیاید.

حکمت

یک باره آن را در از آرماسازی زندانی که آن همه برای دستگیری‌اش تلاش کرده بود بروز دهد.

در واقع جاهد برای دستگیری زندانی بیش از آنکه انگیزه ترغیع شغلی و اثبات توانمندی به خودش و دیگران را داشته باشد با چالشی عاطفی و درونی دست و پنجه نرم می‌کند که ما در بیرونی کردن آن از این کارا کتر به شدت محافظه‌کاری می‌بینیم و این با روحیه و شخصیت درونگرای او کاملاً هماهنگ است.

سرخ‌پوست در اجرا فیلم قدر تمندی است. اندازه نماها و حرکت دوربین، چیدمان و رنگ تصاویر حتی زوم‌ها و زوم‌بک‌ها مخاطب را به سینما نزدیک می‌کند. جاویدی قطعاً با دکوپاژ این فیلم را ساخته و حتماً برای کوچک‌ترین نمای فیلمش هم دلیل داشته، مثل همان نمای اولی که اوج گرفتن یک هواپیمای از بالای دیوار زندان را می‌بینیم که در چند سکانس جلوتر می‌فهمیم دلیلش چه بوده، چه خوب است که احمد «سرخ‌پوست» را نمی‌بینیم همان (پی او یو) آخر کافی است، چراکه آنقدر دربرادش دیالوگ می‌گویند که ناخواسته تبدیل به یک شخصیت کامل می‌شود.

از بازی نوید محمدزاده در این فیلم به هیچ وجه نمی‌شود به سادگی گذشت، قطعاً جاویدی در مرحله نگارش فیلمنامه نعمت جاهد را بر اساس ویژگی‌های محمدزاده نوشته‌ای تصنیف کرده‌است. شمرده می‌شوند و در این رمان متکی بر رئالیسم اجتماعی، انتقادی و رئالیسم تاریخی‌اند. یعقوب داستان «آوازهای روسی» خوشایند خالد داستان همسایه‌هاست که هر دو اینجاست یعقوب در صاف جریانی می‌ایستد که خود بخشی از آن بود. در نهایت اما به انتقاد و انتقام از آن تا پایان متعهد می‌ماند، با وجود تمام اینها، نمی‌توان اثری از ملایم‌نگری یا داستان‌نویس را در جهان دوقطبی (چپ و راست) داستان پیدا کرد. از ایدئولوژی اگر خبری است، تنها در حد روایت است و از چشم جهان‌بین‌دای کل. پناه بردن یعقوب به چپ‌ها برای اقرار از بنیادهای پدرسالانه و سنتی است، بعد پناه بردن به دامان جهاد پایان بخشیدن به ایدئولوژی افراطی چپ است. گریز از گریز یا فرار از فرار است.

تا آنجا که آگاهم این نخستین رمان منتشر شده احمد مددق است برای همین از منظر یک خواننده، بر آنم که بر دو تا اتفاق رخ داد و این قطعه در رسید، قرار بود به بزرگداشت پرسد اما به یادبود رسید. این مراسم دوشنبه (۲۷ خرداد ماه) ساعت ۱۸ در فرهنگستان هنر برگزار می‌شود. در این آیین با عنوان «روایتی از زندگی استادانه» یک عمر می‌کنم این یزدان‌جهمه‌خوانی برای پدرم جالب است. فقید سینما، تئاتر و تلویزیون روایت می‌شود.

خبر

علی موسوی گرمارودی در سالروز رحلت حمید سبزواری:

سبزواری شیخ‌الطائفه شاعران انقلاب بود

علی موسوی گرمارودی، شاعر پیشکسوت و مطرح کشورمان معتقد است زنده‌یاد حمید سبزواری شاعری بود که در اندیشه‌های او عشق به انقلاب موج می‌ی‌زد و مسلمان شیخ‌الطائفه شاعران انقلاب است. علی موسوی گرمارودی در گفت‌وگو با ایبنا اظهار کرد: حمید سبزواری مسلماً شیخ‌الطائفه شاعران انقلاب است. خداوند وی را رحمت کند که هم زبان بسیار فاخری داشت و هم در اندیشه‌های او عشق به انقلاب موج می‌زد. از طرفی وی برخاسته از سرزمین کلام منظوم، یعنی خراسان بزرگ بود، بنابراین آنچه وی در حوزه نظم و شعر ارائه کرد، همه فاخر و دلچسب است.

این شاعر انقلابی ادامه داد: وی در عرصه ترانه نیز حضور بسیار درخشانی داشت. همه می‌دانیم که ترانه مشهور «خمینی ای امام» از وی است. سوگ ترانه‌هایی که او در وصف شهید مطهری و دیگر بزرگان انقلاب نیز نوشته بسیار ارزشمند و گرانبهاست، بنابراین همان طور که در ابتدا گفتم، بجاست که وی را شیخ‌الطائفه شعر انقلاب بدانیم. شاعر مجموعه شعر «در سایه‌سار نخل ولایت» با اشاره به تأثیر اشعار سبزواری روی جوانان انقلابی گفت: بخش این تصنیفات در آن دوران بسیار مهم و تأثیرگذار بود و جان دوارهای به انقلاب می‌داد. من خودم در آن دوران جزو گروهی بودم که قرار بود خدمت‌امام(ره) را تصنیف و ترانه را بخوانیم و در اولین اجرا حضور داشتم و به نظم بسیار تأثیرگذار بود. موسوی گرمارودی در پایان گفت: سبزواری در مجامع ادبی انقلاب حضوری فعال داشت و از افراد فعال در جلسات شعرخوانی بیت رهبری بود، حتی به خاطر دارم که تا یک سال قبل از فوت نیز در جلسه حضور پیدا کرد و شعر جدیدی هم خواند که بسیار خوب و شنیدنی بود.

نما حسین کشتکار



یادداشتی بر رمان «آوازهای روسی»

گریز از گریز

دوم نیز کمتر به نویسنده و... بیشتر به ویراستار ربط دارد. فراوان تلاش کردم که فراموش‌کاری فصل پانزدهم رمان را در تکنیکی در یابم اما به نظرم اصلاً تکنیکی در کار نبود و خبر از کم‌دقتی نویسنده و مهم‌تر از آن نگاه

دوم نیز کمتر به نویسنده و... بیشتر به ویراستار ربط دارد. فراوان تلاش کردم که فراموش‌کاری فصل پانزدهم رمان را در تکنیکی در یابم اما به نظرم اصلاً تکنیکی در کار نبود و خبر از کم‌دقتی نویسنده و مهم‌تر از آن نگاه

دوم نیز کمتر به نویسنده و... بیشتر به ویراستار ربط دارد. فراوان تلاش کردم که فراموش‌کاری فصل پانزدهم رمان را در تکنیکی در یابم اما به نظرم اصلاً تکنیکی در کار نبود و خبر از کم‌دقتی نویسنده و مهم‌تر از آن نگاه

دوم نیز کمتر به نویسنده و... بیشتر به ویراستار ربط دارد. فراوان تلاش کردم که فراموش‌کاری فصل پانزدهم رمان را در تکنیکی در یابم اما به نظرم اصلاً تکنیکی در کار نبود و خبر از کم‌دقتی نویسنده و مهم‌تر از آن نگاه

دوم نیز کمتر به نویسنده و... بیشتر به ویراستار ربط دارد. فراوان تلاش کردم که فراموش‌کاری فصل پانزدهم رمان را در تکنیکی در یابم اما به نظرم اصلاً تکنیکی در کار نبود و خبر از کم‌دقتی نویسنده و مهم‌تر از آن نگاه

دوم نیز کمتر به نویسنده و... بیشتر به ویراستار ربط دارد. فراوان تلاش کردم که فراموش‌کاری فصل پانزدهم رمان را در تکنیکی در یابم اما به نظرم اصلاً تکنیکی در کار نبود و خبر از کم‌دقتی نویسنده و مهم‌تر از آن نگاه

دوم نیز کمتر به نویسنده و... بیشتر به ویراستار ربط دارد. فراوان تلاش کردم که فراموش‌کاری فصل پانزدهم رمان را در تکنیکی در یابم اما به نظرم اصلاً تکنیکی در کار نبود و خبر از کم‌دقتی نویسنده و مهم‌تر از آن نگاه

واکنش مردم به پست اینستاگرامی رامید جوان

برای کانادایی‌ها «خندوانه» بساز!



محمد صادقی

چند روز بعد از جنجال زایمان همسر رامید جوان در کشور کانادا، مردم نسبت به پست اینستاگرامی این بازیگر و مجری تلویزیون واکنش نشان دادند. رامید جوان که این روزها در کانادا به سر می‌برد، در صفحه اجتماعی‌اش به مناسبت روز جهانی «کودکان کار» پستی را منتشر کرد که واکنش تندی را در میان مردم به دنبال برداشت. وی در صفحه اجتماعی‌اش نوشت: «کودکان را دوست بدارید، کودکان کار را بیشتر، چراکه از آنها کودکی‌شان را دزدیده‌اند. جوزف گوبلز: امروز ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) روز جهانی مبارزه با کار کودکان است. «کودکان باید فقط در رویاهایشان کار کنند نه در دنیای واقعی». در این روز ناپدید نگیریم‌شان، حتی شده با یک لیخند. دست‌های کودکان برای بازی کردن است نه کار کردن... به امید اینکه روزی بیاید که هیچ کودکی مجبور به کار نباشد...» این پست اما سریعاً واکنش مردم را در پی داشت، به نحوی که رامید جوان بعد از چند دقیقه کامنت‌ها را بست تا بیش از آن در معرض نقد مردم قرار نگیرد.

بعضی از نظرات مردمی درباره این پست جالب توجه است. سینما پرِس، در گزارشی بخشی از این پست‌ها را منتشر کرده است: «مگه کودکان کار تو کانادا به دنیا میان»، «من خوب نیستم ولی ادای خوم در نمی‌آرم»، «به‌به چه خبر؟ عکسکات نشون میده خیلی عاشق ایرانی»، «ما همه ایرانیو دوست داریم!» چند سال در گوش ملت خوندی»، «خی که چقدر هم شما نگران مسائل ایرانی»، «حنایت دیگه پیش ما رنگ نداره. هومونجا